

خوانشی نو از روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی

اله‌ام بادی / دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران badielham@yahoo.com
 کسب‌سیف‌اله فضل‌الهی قمشی / استادیار و دکترای تخصص برنامه‌ریزی درسی گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران fazlollahigh@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

چکیده

پیشرفت در هر زمینه از علم، حاصل بهره‌گیری از پژوهش‌های نظام‌مند است. پژوهش کیفی ریشه در رشته‌های متعدد علمی دارد. این رشته‌ها، نه تنها شامل علوم اجتماعی مانند مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی هستند، بلکه علوم انسانی مانند هنر، ادبیات، فلسفه و حتی تحقیق‌های بین‌رشته‌ای را نیز دربرمی‌گیرند. با آغاز قرن بیستم و تکثر روش‌های پژوهش، این قاعده مورد دقت نظر قرار گرفت که برای انجام درست یک پژوهش، باید از روش صحیح و متناسب با آن استفاده کرد. روش دلالت‌پژوهی به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی، مناسب انجام پژوهش‌هایی است که در آن پژوهشگر قصد دارد از سهم عاریه‌ای یک‌رشته، مکتب، فلسفه، نحله مطالعاتی، نظریه، مدل و یا یک ایده عام بهره گرفته، و گاهی رهنمودهای اولیه‌ای را برای رشته یا حوزه مطالعاتی یا موضوع مطالعاتی خود ارائه نماید. آشنایی پژوهشگر با شیوه‌های پژوهش کیفی به‌طور خاص و بعضاً کمی، برای موفقیت در این روش‌شناسی ضروری است. هدف این مقاله، پرداختن به روش‌شناسی دلالت‌پژوهی، اهمیت و ضرورت، معرفی و چگونگی اجرای این روش است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی تحقیق، تحقیق کیفی، دلالت‌پژوهی.

کاروان دانش در فراخوانی تاریخ بشریت تنها کاروانی است که روزبه‌روز از اعماق حیات آدمی تا کنون بارهای اندیشه‌اش را فزون و کاروانیان بسیاری را با خود همراه کرده است. نگارش‌های محققانه و مدققانه، شیوه‌ای است که در آن، مؤلفان فنون نوشتن را به‌کار می‌بستند و انتخاب می‌کردند و همواره آینده‌ای را ترسیم می‌نمودند که از موضع‌گیری‌ها، تحلیل‌ها، دریافت‌ها، فهم، درک و رسش خویش، نگارشی از حقیقت مکشوف را به نمایش می‌گذاشتند (خنیفر و معلمی، ۱۳۹۸، ص ۱۱). گذشت زمان نشان داد که بسته به مأخذ یا ابژه مطالعاتی «فرایند پژوهش که بعدها روش‌شناسی نامیده شد»، باید متفاوت باشد. این امر در پی تنسیق پارادایم‌ها (نظیر اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی، رئالیسم، پست‌مدرنیسم) ظهور و بروز کرد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۰). هر پارادایمی تلاش کرد در کنار هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی و به‌تبع آن، شیوه‌های پژوهشی خاص خود را طراحی کند. برای مثال، اثبات‌گرایان برای مطالعه میزان اندازه‌گیری نگرش افراد، نوعی روش‌شناسی به‌نام «پیمایش» (Survey) ابداع کردند و برای بررسی «همبستگی بین متغیرها، روش‌شناسی همبستگی» (Correlation Methodology) به بازار عرضه نمودند و برای بررسی اثر یک متغیر، بر سایر متغیرها، به «روش‌شناسی آزمایشی» (Experimental Methodology) متوسل شدند. برای هر تحقیق به فراخور نوع آن، از روش خاص و مناسب با آن استفاده می‌شود. گاهی با یک قاعده یا مکتب فلسفی یا نحله فکری روبه‌رو هستیم که سال‌ها در حوزه مربوطه شناخته شده است؛ مثلاً فلسفه و مکتب اصالت تجربه در پراگماتیسم (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۲). اینک زمانی می‌پرسند که دلالت تبعات و آثار یا کاربرد عملیاتی مکتب و فلسفه در رشته مدیریت، چه کاربردی دارد و نام این روش چیست؟ برخی با توجه به پیشینه این کاربست معتقدند که به آن «دلالت پژوهی» گفته می‌شود و روش‌شناسی متناسب با آنها را «روش‌شناسی دلالت‌پژوهی» پیشنهاد داده‌اند (همان). هرچه جامعه پژوهش‌های دلالت‌پژوهی قوی‌تر و تعداد پژوهشگران آنها بیشتر باشد، توسعه دانش در آن جامعه علمی بیشتر خواهد بود (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). واژه «دلالت»، معادل واژه انگلیسی (Implication)؛ به معنای مفهوم و دلالت است. دلالت یعنی چیزی که ذهن ما را به چیز دیگر رهنمون شود یا از علم به یک چیز، علم دیگری حاصل آید. آنچه موجب علم به چیز دیگر می‌شود، «دال» و آنچه به‌سبب دال به آن آگاهی می‌یابیم، «مدلول» نامیده می‌شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۳).

۱. مبانی فلسفی دلالت‌پژوهی

هدف هر جامعه علمی در هر رشته‌ای (علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم طبیعی و هنر)، تدقیق، بهبود و بسط دانش است. به‌طور کلی، می‌توان این دانش تولیدی را به دو دسته کلی علوم اثباتی و علوم هنجاری تقسیم‌بندی کرد؛ اگرچه دسته‌بندی‌های جزئی‌تری نیز وجود دارد. دسته نخست، به دانش تولیدی در مورد آنچه هست، اشاره دارد.

توصیف، فهم و واکاوی و تبیین نحوه عمل پدیده‌های تجربی، حاصل این نوع دانش پژوهی است. همه پارادایم‌های اصلی پژوهشی موجود (اثبات‌گرایی، تفسیری، فمینیست، رئالیست، عمل‌گرایی، پیچیدگی و آشوب)، «آنچه هست» را مورد مطالعه قرار می‌دهند. در مقابل، دسته دوم (برای مثال، انتقادی) به دانش تولیدی در باب «آنچه باید باشد» اشاره دارد. همه پارادایم‌های اصلی پژوهش، مستعد تولید این نوع دانش هستند. یکی از استراتژی‌های بسیار متداول، اقتباس و عاریه‌دانش یک رشته برای تدقیق، بهبود یا بسط دانش رشته دیگر است. این مبادله‌وام‌گونه میان رشته‌های همگون و بعضاً ناهمگون، فراوان به چشم می‌خورد. مآخذ این بهره‌گیری‌ها می‌تواند آثار مکتوب و شفاهی اندیشمندان هر رشته علمی باشد. آنچه مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند مکاتب، فلسفه‌ها، پارادایم‌ها، نظریه‌ها، مدل، فنون و ایده‌های پراکنده مورد توجه باشد. اگرچه برخی رشته‌ها تغذیه‌کننده اصلی رشته‌های دیگرند، برای مثال ایده‌های فلسفی یا سنت‌های فلسفی، منشأ اثر فراوان در همه رشته‌ها (چه اجتماعی، چه طبیعی و چه هنر) هستند، ولی رشته‌های هم‌ارز نیز می‌توانند از یکدیگر بیاموزند. عنصر فلسفی به پتانسیل درونی هر اثر اشاره دارد که قابلیت قبض و بسط دارد. اندیشمندان هر رشته می‌توانند دلالت‌های اولیه‌ای از این آثار برای رشته‌های تخصصی خود را احصا کنند. این دلالت‌ها، در مراحل نخست دانش‌پژوهی بین‌رشته‌ای بعضاً خام بوده و صرفاً توصیفی-تحلیلی خواهند بود؛ اما با تدقیق و بسط این دلالت‌ها، پژوهش‌های تجربی-میدانی منجر به دانش محلی خاص هر رشته خواهد شد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۴). برای مثال، دلالت‌های نگاه پست‌مدرن برای مدیریت چیست؟ اندیشمندان علم مدیریت می‌بایست ایده‌های کلیدی پست‌مدرنیست‌ها را در بستر رشته مدیریت بازبایی دلالتی کنند. این کار، منجر به بسط دانش مدیریت در پرتو ایده‌های پست‌مدرنیست خواهد شد. طراحی ساختارهای سازمانی پست‌مدرنیستی، نمونه‌ای از کاربردهای غیرمستقیم دلالت‌های پست‌مدرنیستی مدیریت است. در برخی از رشته‌ها، این عمل وام‌گیری چنان متداول است که کمبودهای نظری خود را با رشته‌های بنیادی (همانند انواع فلسفه‌ها) متوازن می‌سازند. گاهی اوقات، چنین عملی مستلزم «استقراض افقی» (Horizontal borrowing) است که در آن، دانش‌پژوهان یک رشته، از مفاهیمی که برای مطالعه پدیده‌ها در دیگر بسترها شکل داده شده، استفاده می‌کنند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۵)؛ برای مثال، علم سازمان از مفهوم نهضت‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی (دیویس، مک‌آدام، اسکاتوزالد، ۲۰۰۴)، یا از بینش‌های بازارمحور از اقتصاد (زنگرو هسترلی، ۱۹۷۷) بهره می‌گیرند. در برخی موارد دیگر، دانش‌پژوهان درگیر «استقراض عمودی» (Vertical borrowing) می‌شوند. این سبک استقراضی، از مفاهیمی که در سطوح مختلف تحلیل شده‌اند، استفاده می‌کند. در واقع، استقراض از رشته‌های همسایه، غنای بین‌رشته‌ای دانش پژوهشی را تقویت کرده است (همان) ... گاهی نیز یک متن یا یک نظام ارزشی یا رفتار و گفتار پیشوایان دینی، مبدأ دلالت‌پژوهی قرار می‌گیرد. یکی از الگوهای بسیار پرکاربرد و تقریباً جافتاده در مطالعات دلالت‌پژوهی قرآن، بررسی دلالت‌های یک آیه یا داستان قرآنی یا سوره قرآنی در یک یا چند موضوع است (زارعی محمودآبادی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۸۸-۸۹).

۲. پیشینه دلالت پژوهی

اولین مقاله در باب دلالت / از برتراند راسل (Russell)، فیلسوف بریتانیایی، در سال ۱۹۰۵ م منتشر شده که خلاصه آن تحلیل راسل از وصف‌های خاص است؛ مثل اینکه بگوییم: نظریه «گرانیکاه فیزیک» شبیه نظریه «نمرقه الوسطی» یا «تکیه‌گاه میانه» امام علی علیه السلام است که آن یکی در اجسام است و این یکی در رفتار (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۵).

البته گاهی یک نظر مسیر چند دانش را طی می‌کند؛ یعنی اگر دانش‌ها را به‌مثابه مهره تسبیح در نظر بگیریم، گاهی یک نظریه حکم نخ تسبیح را دارد که از این مهره‌ها عبور می‌کند؛ مانند، نظریه تحولی داروین و سیر تکامل انسان، که هم در مکتب ناتورالیسم (Naturalism) مورد استقبال قرار گرفت و انسان را کاشته طبیعت فرض گرفتند و هم در زمینه تربیت معتقد شدند تکامل این موجود که چون کاشته طبیعت است، باید طبیعی باشد. قرائن تاریخ تکامل علوم نشان می‌دهد که این روش‌شناسی، در فعل نگارش نویسندگان در گذشته وجود داشته و به‌صورت ضمنی از جانب آنها رعایت شده است. برای نمونه، تحولات و تطورات رشته فلسفه تعلیم و تربیت، در دو مرحله قابل تشخیص و بررسی است: مرحله رویکرد ایسم‌ها (مکاتب) و مرحله رویکرد تحلیلی. فلسفه تعلیم و تربیت در گروه دوم به‌صورت استنتاج مدلول‌های تربیتی، از اندیشه‌های فلسفی درمی‌آید. این صورت دوم از دیدگاه اول فلسفه تعلیم و تربیت راه، برخی از فیلسوفان تربیتی با عناوینی چون «فلسفه تعلیم و تربیت»، «رویکرد مواضع فلسفی» یا «رویکرد دلالت‌ها» معرفی کرده‌اند؛ ولی طراحی روش‌شناسی دلالت پژوهی، که بتواند به افراد مبتدی در این حوزه در ارتقای این‌گونه پژوهش‌ها کمک کند، نخستین بار توسط دکتر حسن دانایی‌فرد در سال ۱۳۹۵ تسبیق و تئوریزه شده است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۷). لازم به یادآوری است، مقالاتی با عناوین «روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، عملکرد، رویکردها و مراحل اجرا» توسط دانایی‌فرد، (۱۳۹۵)، «الگوی استخراج نظام آموزش و پرورش کشور مبتنی بر بیانات حضرت امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی» نوشته طباطبایی و فریدونی، (۱۳۹۶) و همچنین «ارائه روشی دلالت پژوهانه در مطالعات سبک زندگی اسلامی مبتنی بر روابط معنایی واژگان قرآنی» اثری از زارعی محمودآبادی، خواجه پور بنادکی و زارع زردینی (۱۳۹۸) منتشر شده است.

۳. معرفی روش دلالت پژوهی

گاهی اوقات وقتی به عناوین مقاله‌ها یا کتاب‌ها نگاه می‌کنید، احتمالاً با عباراتی نظیر دلالت‌هایی (برای) (Implication of (for)) کاربردهایی (برای) (Application of (for))، تبعات (برای) (Influences of (for))، تأثیرات (برای) (Influences of (for))، نقش‌هایی (The roles of (for))، ... «دلالت‌هایی برای»، «رهنمودهایی» برخورد کرده‌اید. منظور از این عبارات چیست؟ واقعیت این است که

گاهی اوقات نویسندگان یا پژوهشگران می‌خواهند از یک فلسفه، چهارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌ها و رهنمودهایی استخراج کنند که در عمل چندان مصرف مستقیم ندارند. این رهنمودها ممکن است بعدها تبدیل به دانش خاص رشته تخصصی آن پژوهشگر شوند. به این عمل «دلالت‌پژوهی» اطلاق می‌شود. گاهی اوقات یک رشته مأخذ الهام و دلالت‌پژوهی رشته دیگر می‌شود؛ گاهی اوقات یک رشته مضاف، از یک فلسفه الهام می‌گیرد و دلالت‌هایی از آن احصا می‌کند؛ مانند، رئالیسم انتقادی در علوم اجتماعی (دانرمارک، اکستورچل، جاکوبسن و کارلسون) (Danermark, Ekstorm, Jakbosen & Karlsson, ۱۹۷۷)، رئالیسم انتقادی در پژوهش سیستم‌های اطلاعاتی (مینگرز، ماچ و ویکاکس) (Mingers, Mutch & Wilkocks, ۲۰۱۳)، رئالیسم انتقادی در اقتصاد (هدگسون) (Hodgson, ۲۰۰۴)، دلالت‌های پست‌مدرنیسم برای علم (برتیر) (۱۹۹۴) (خنیفر و مسلمی، ۳۹۸، ص ۳۷۸).

همچنین، دانایی‌فرد (۱۳۹۵) مثال‌های دیگری بیان می‌کند: فلسفه پیچیدگی و علوم تربیتی (محمدی چابکی، ۱۳۹۲)، سازنده‌گرایی و روان‌شناسی و علوم تربیتی (فردانش و شیخی فینی، ۱۳۸۱)، علم پیچیدگی و خط‌مشی‌گذاری (دانایی‌فرد، ۱۳۹۲). در پژوهش زارعی محمودآبادی، خواجه پور بنادکی و زارع زردینی، (۱۳۹۸) (به نقل از درزی، ۱۳۹۵) آمده است، محصول تفکر یا اقدام علمی مبتنی بر تفکر میان‌رشته‌ای یک خلاقیت است که وام‌دار هیچ قاعده یا ایده مشخصی که برگرفته از رشته‌های دخیل باشد، نیست.

در پژوهش طباطبایی و فریدونی، (۱۳۹۶)، آمده است که یکی از راهبردهای بسیار متداول، اقتباس و عاریه دانش یک رشته برای تدقیق، بهبود، یا بسط دانش رشته دیگر است. مأخذ این بهره‌گیری‌ها می‌تواند آثار مکتوب و شفاهی دانشمندان هر رشته علمی باشد. اندیشمندان هر رشته می‌توانند دلالت‌های اولیه‌ای را از این آثار برای رشته‌های تخصصی خود مشخص کنند. اصولاً بخش زیادی از نوآوری‌ها در رشته‌های علوم اجتماعی، به دلیل برگیری افکار دیگر رشته‌هاست که تجلی پژوهش‌های دلالت‌پژوهی است. از این‌رو اهمیت پژوهش‌های دلالتی برای بسیاری از اندیشمندان روشن و مبرهن است. هرچه جامعه پژوهش‌های دلالت‌پژوهی قوی‌تر و تعداد پژوهشگران آنها بیشتر باشد، توسعه دانش در آن جامعه علمی بیشتر خواهد بود.

۴. انواع دلالت‌پژوهی

در پژوهش‌های دلالت‌پژوهی نیز مانند بسیاری از روش‌ها، چند گونه متمایز برای انجام این پژوهش‌ها وجود دارد.

۴-۱. نظام‌مند

در این طرح پژوهشی، پژوهشگر در ابتدا چهارچوب مفهومی را که به دنبال دلالت‌هایی از رشته، فلسفه، چهارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌های طرح‌شده در مجامع علمی است، به تفصیل طراحی می‌کند و سپس در

مأخذ استقراض دلالت‌ها به دنبال یافتن دلالت‌هایی برای تک‌تک عناصر تشکیل‌دهنده آن چهارچوب مفهومی می‌گردد. برای مثال، برای احصای دلالت‌های علم پیچیدگی برای خطامشی‌گذاری عمومی، چرخه خطامشی را که مشتمل بر تعیین و تعریف مسئله، دستور کارگزاری، فرموله کردن مسئله، اجرای خطامشی، ارزشیابی خطامشی، تغییر خطامشی و خاتمه خطامشی است، مبنای دلالت‌پژوهی خود از علم پیچیدگی قرار می‌دهد. در این حالت، بین سهم یاری‌ها (نکات کلیدی علم پیچیدگی) و دلالت‌های هر سهم یاری برای تک‌تک عناصر چرخه خطامشی، نوعی تناظر برقرار می‌شود. بیشتر مطالعات دلالت‌پژوهی بر این رویکرد متمرکزند؛ اما بعضاً رویکرد برایشی نیز وجود دارد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۹).

۲-۴. برایشی

محقق در این طرح پژوهشی، یک سؤال کلی را مطرح می‌کند تا مشخص شود که مأخذ دلالت‌پژوهی، چه دلالت‌هایی برای عرصه کلی وی دارد. برای مثال، رئالیسم انتقادی چه رهنمودهایی یا دلالت‌هایی برای خطامشی‌گذاری عمومی دارد؟ پس از مطالعه مشخص می‌شود که رئالیسم انتقادی برای فرایند خطامشی‌گذاری، تحلیل خطامشی‌های عمومی و ارزشیابی خطامشی‌های عمومی دلالت‌هایی دارد؛ ولی این دلالت‌ها و موضوع دلالت‌ها، به صورت ناگهانی و ظهوری (برایشی) شکل می‌گیرند و چهارچوب مفهومی اولیه‌ای از موضوع‌های دلالت‌ها مشخص نشده است (همان).

۵. مراحل انجام پژوهش دلالت‌پژوهی

نظر به اینکه در مراحل مختلف انجام پژوهش‌های دلالت‌پژوهی، از شیوه‌های مختلفی می‌توان بهره گرفت، عنوان روش‌شناسی برای آن انتخاب شده است. *دانایی فرد* می‌گوید: اگرچه تدقیق مراحل انجام در روش‌شناسی پژوهش اهمیت دارد - یعنی پژوهش باید مرحله‌به‌مرحله انجام شود - ولی واقعیت این است که این فرایند به صورت خطی غیرقابل برگشت انجام نمی‌شود؛ بلکه بین گام‌ها رفت‌وآمدهای متعددی شکل می‌گیرد تا نتیجه حاصله معتبر و قابل‌اتکاتر شود. روش‌شناسی دلالت‌پژوهی نیز گام‌هایی را طی می‌کند، ولی این گام‌ها خطی کامل نیست؛ بلکه مدام بین مراحل بده‌وبستان صورت می‌گیرد. این روش دارای یازده مرحله است که تشریح می‌شوند (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

- تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی؛

- تعیین مأخذ احصای دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی؛

- تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه منتخب؛

- تعیین چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛

- نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی؛

- احصای سهم یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛
- اعتبارسنجی سهم یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛
- متناسب‌سازی سهم یاری‌ها با چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛
- احصای دلالت‌های موردنظر؛
- اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی؛
- تدوین گزارش پژوهش (همان).

۱-۵. انتخاب موضوع و بیان مسئله

روش‌شناسی دلالت‌پژوه مناسب انجام پژوهش‌هایی است که در آن پژوهش‌ها قصد دارید از همیاری‌های هم‌رشته‌ها، یک مکتب، یک فلسفه، یک نحله مطالعاتی، یک چهارچوب، یک نظریه، یک مدل، یا یک ایده عام و بعضاً خاص، رهنمودهای اولیه‌ای برای رشته یا حوزه مطالعاتی یا موضوع مطالعاتی خود احصا کنید. بنابراین این روش‌شناسی در پی انجام پژوهش تجربی (تبیین، فهم، واکاوی) نیست؛ چون هدف آن دلالت‌پژوهی است؛ پس به‌نظر می‌رسد، در مواردی خاص که پژوهشگر در پی کسب دانش عاریه‌ای است، مناسب است. روش‌شناسی دلالت‌پژوهی، برای آن دسته از پژوهشگران قابل اجراست که توانمندی سازمان‌دهی ذهنی و همین‌طور برکشیدن ایده‌ها از سایر رشته‌ها برای استفاده در رشته تخصصی خود هستند. بنابراین، چنین افرادی در آن رشته صادراتی (فلسفه، چهارچوب، نظریه یا مدل) نیز احاطه خوبی دارند؛ زیرا برکشیدن ایده‌های کلیدی از سایر رشته‌ها، برای اقتباس کار ساده‌ای نیست که از عهده هر پژوهشگر مبتدی برآید (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۳۸۲).

۲-۵. بیان اهداف و سؤالات پژوهش

هدف از انجام پژوهش، بررسی دلالت‌ها، آثار، تبعات، کاربردهای یک فلسفه، یک چهارچوب، یک نظریه، یک مدل یا یک ایده برای رشته یا موضوع مورد بررسی است. سؤال کلیدی مهم در پژوهش‌های دلالت‌پژوهی این است که این رشته، این فلسفه، این چهارچوب، این نظریه یا این ایده قدیمی یا جدید، چه پیامدی برای حوزه مطالعاتی ما یا موضوعی خاص به درون حوزه مطالعاتی ما دارد؟

۳-۵. انتخاب طرح پژوهش و توجیه آن

۱-۳-۵. تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه

از آنجا که نیت پژوهش، دلالت‌پژوهی یا ترسیم دلالت‌های ایده‌های کلیدی یک فلسفه، چهارچوب، نظریه یا مدل برای رشته متقاضی است، شناسایی و تعیین یک فرایند موقتی و اولیه در مطالعه دلالت‌پژوهی ضروری است. ممکن است فرایند در حین مطالعه تغییر کند؛ ولی تصویری فرایندی از مراحل پژوهش نیاز

دارید. این فرایند می‌باید به‌طور طبیعی از مسئله پژوهش و سؤال‌هایی که در پی پاسخ به آن هستید، تا دلالت‌های اعتبارسنجی شده را شامل شود.

۲-۳-۵. تعیین چارچوب مفهومی موضوع

نخستین سؤالی که برای پژوهشگر دلالت‌یاب مطرح می‌شود این است که دلالت‌های ایده‌های کلید بر چه موضوعاتی است. به عبارت دیگر، وقتی گفته می‌شود: «دلالت‌های رئالیسم انتقادی برای خطامشی‌گذاری علم، فناوری و نوآوری»، منظور چیست؟ دلالت‌ها برای چه عناصری از خطامشی‌گذاری؟ در چنین حالتی، پژوهشگر پنج مسیر انتخابی در پیش دارد:

۱. رویکرد نظام‌مند: در این رویکرد، پژوهشگر پیشاپیش، چهارچوب مفهومی‌ای برای استقراض ایده‌های قرض‌دهنده تدوین می‌کند و از قرض‌دهنده دلالت‌های مناسب هر عنصر، چهارچوب مفهومی را احصا می‌کند.
۲. رویکرد برایشی: در این رویکرد، به قرض‌دهنده اجازه می‌دهیم دلالت‌های مترتب بر موضوع مورد بحث ما را بدون یک چهارچوب مفهومی ازپیش تعریف‌شده شکل دهد. به عبارت دیگر، دلالت‌ها موضوع و عناصر موضوع ما را به‌صورت برایشی آدرس می‌دهد. بنابراین در پایان ممکن است گزاره‌های دلالتی متعددی احصا شود که لزوماً مبتنی بر چارچوب مفهومی ازپیش تعیین‌شده نیستند.
۳. رویکرد لنز نظری: پژوهشگر نوعی نگاه نظری به موضوع مطالعاتی منتخب خود دارد و در پرتو آن، دلالت‌های احصایی را در جدول مندیف نظری خود قرار می‌دهد.
۴. رویکرد تلفیقی: پژوهشگر ممکن است مجهز به نوعی لنز نظری و یک چهارچوب مفهومی باشد، ولی اجازه دهد سهم باری‌ها و دلالت‌ها به‌صورت برایشی ظهور کنند؛ خواه با لنز نظری و چهارچوب مفهومی وی مطابقت داشته باشد و خواه نداشته باشد؛ ممکن است برخی از سؤال‌ها پاسخ داده نشود یا سؤال‌های جدیدی اضافه شود.
۵. رویکرد تقدم شناسایی سهم باری‌ها و ایده‌ها بر چهارچوب مفهومی: ممکن است پس از شناسایی ایده‌های کلیدی و اطمینان از ظرفیت‌ها آنها، مقصد دلالت‌ها را مشخص کند. در این حالت، چهارچوب مفهومی ازپیش تعیین‌شده وجود ندارد؛ ولی در مرحله بعد از شناسایی ایده‌های کلیدی، ممکن است ظهور کند. درعین‌حال، جامعیت چهارچوب مفهومی، بستگی به غنی بودن کمی و کیفی ایده‌های کلیدی احصایی دارد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۴).

۶. تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامعه و ویژگی‌های مورد مطالعه

اگر پژوهشگری قصد مطالعه مرکز دسته اول برای کسب دلالت‌ها داشته باشد، ممکن است تعداد آن به‌صورت کاملاً مشخص باشد و درگذر مطالعه، بر تعداد آن افزوده نشود؛ ولی دفعات دور مطالعه به غنای نظری پژوهش

ببفزاید. برای مثال کسی که می‌خواهد دلالت‌های مدیریتی نهج‌البلاغه را برای خطامشی‌گذاری عمومی احضا کند، مأخذ واحدی را انتخاب کرده؛ ولی تکرار مطالعه آن ممکن است به تعدادی و غنای دلالت‌ها کمک کند و آنها را تدقیق نماید. پژوهشگر نمی‌تواند تعداد مأخذ را بیشتر کند؛ زیرا تنها یک مأخذ وجود دارد.

۷. نمونه‌گیری از افراد رفتارها یا وقایع در پژوهش دلالت‌پژوهی

نمونه‌گیری متن‌های مورد استفاده در دلالت‌پژوهی، صبغه نظری دارد. به‌هرحال، هر پژوهشگری که متن یا مصاحبه را ابزار کسب دلالت‌های خود انتخاب می‌کند، بی‌تردید دست به نمونه‌گیری می‌زند؛ ولی ممکن است از ذکر واژه نمونه‌گیری اجتناب کند. این قبیل پژوهش‌ها، مانند سایر پژوهش‌های کیفی هدفمند است؛ یعنی پژوهشگر به دنبال تعمیم‌پذیری آماری متداول در پژوهش‌های کمی نیست. از این رو متن یا مصاحبه‌ای انتخاب می‌کند که به تئوریزه کردن دلالت‌های موردنظر کمک کند. نمونه‌گیری نظری، در این روش مورد نظر قرار می‌گیرد.

۸. گردآوری داده‌ها در پژوهش دلالت‌پژوهی

در این مرحله نسبت به تعیین مأخذ احصای دلالت‌ها اقدام می‌شود. در این روش، معمولاً یک مخزن صادرکننده و یک مخزن واردکننده ایده وجود دارد. اینکه پژوهشگر تصمیم می‌گیرد از رشته‌های هم‌جوار استقراض کند، به چند عامل بستگی دارد: ماهیت رشته پژوهشگر، توانمندی یا ظرفیت پژوهشگر، غنی بودن رشته‌های قرض‌دهنده، لفاظی‌گری رشته‌ای طرفینی، متداول شدن ایده فلسفی-علمی، سبک تولیدی دانش‌پژوهی، کسب پژوهانه پژوهشی، رساله دانش‌پژوهی دکتری، مأموریت سازمانی پژوهشی و تحریر کتب درسی یا غیردرسی (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص ۵۲-۵۴).

۱-۸. تعیین نحوه مشارکت پژوهشگر در پژوهش

این روش برای آن دسته از پژوهشگران قابل اجراست که توانمندی لازم برای سازمان‌دهی ذهنی و برکشیدن ایده‌ها از سایر رشته‌ها برای رشته تخصصی خود را دارند. چنین افرادی در آن رشته صادراتی احاطه خوبی دارند؛ زیرا برکشیدن ایده‌های کلیدی از سایر رشته‌ها برای اقتباس، کار ساده‌ای نیست.

۲-۸. بهترین روش گردآوری اطلاعات

نکته کلیدی در گردآوری داده‌ها در این روش، گردآوری اطلاعات است که می‌تواند به شکل دادن دلالت‌های مورد جست و جو کمک کند. اگرچه نظریه‌پردازان و پژوهشگران دلالت‌پژوهی می‌توانند از انواع متعددی از داده‌ها مانند مصاحبه، بررسی متون و ... استفاده کنند، اما بسیاری از پژوهشگران به استخراج دلالت‌ها و حذف متون تحریرشده اتکا می‌کنند.

۳-۸. آماده‌سازی ابزار و گردآوری اطلاعات

در این مرحله، نسبت به احساس‌های سهم‌یاری‌های ابژه دلالتی اقدام می‌شود. برای پاسخ به سؤال کلیدی در این روش پژوهش، یعنی اینکه یک فلسفه، یک چهارچوب، یک نظریه یا یک مدل، چه دلالت‌هایی بر موضوع بررسی دارد، پژوهشگر می‌تواند سه مسیر را در پیش گیرد:

- مآخذ دست اول را مورد مطالعه قرار دهد، و در پایان نوعی چهارچوب مفهومی از ایده‌ها احساس کند؛
- از مآخذ دست دوم استفاده کند و با تعیین مقاله‌ها و کتب دست دوم، به احصای سهم‌یاری‌ها اقدام نماید؛
- آن دسته از سهم‌یاری‌ها را که بسیار متداول‌ترند، انتخاب و فرایند پژوهش دلالتی را بر آنها اعمال کند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۹).

۴-۸. بازنگری اسناد و رونویسی در پژوهش دلالتی پژوهی

یکی از مختصات این روش این است که پژوهشگر بیش از یک‌بار به گردآوری داده‌ها می‌پردازد؛ زیرا مرتباً برای گردآوری اطلاعات بیشتر و غنی‌تر، به مآخذ داده‌ای خود برمی‌گردد. پژوهشگر تا وقتی دلالت‌های خود را به‌طور کامل و جامع احصا نکند، به گردآوری داده‌ها ادامه می‌دهد.

۹. تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش دلالتی پژوهی

۱-۹. اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالتی پژوهی

برای کسانی که در یک حوزه تخصص دارند و در آن حوزه آثاری عرضه کرده‌اند، اعتبار سهم‌یاری‌های آنها به اعتبار علمی آنان است و در گذر زمان، جامعه علمی در مورد سهم‌یاری وی اظهار نظر می‌کند. بی‌تردید تعداد استنادهایی که به سهم‌یاری مورد اشاره آن محقق در آثار مختلف شده است، مؤید اعتبار آن سهم‌یاری است. کسی که به استنادات قرآنی و روایی، سهم‌یاری‌ها و نکات کلیدی یک سوره از قرآن را احصا می‌کند و به‌صورت موضوعی آن را ترسیم می‌کند، اعتبار آن سهم‌یاری‌ها به استنادات عقبه هر سهم‌یاری بستگی دارد؛ اما پژوهشگر مبتدی یا پژوهشگری که دوست دارد رویه نظام‌مندی را برای انتخاب سهم‌یاری‌ها انتخاب کند، ممکن است مسیر دیگری را دنبال کند. بر این اساس، پژوهشگر ممکن است:

- آثار دست اول را مطالعه کند و میزان فراوانی استعمال «محور یا موضوع» را معیار اعتبار یک سهم‌یاری بداند و با توجه به حجم کار، دست به انتخاب بزند.
- آثار دست دوم را مطالعه کند و تعدد استنادات به هر سهم‌یاری را معیار اعتبار آن سهم‌یاری بداند و با توجه به حجم کار، دست به انتخاب بزند.

- با مطالعه آثار دست اول، فهرستی از سهم یاری را احصا و با اتکا به نظر خبرگان آثار دست اول، اعتبار آنها را تعیین کند.

در برخی از موارد، ایده‌ها یا نکات کلیدی رشته یا مآخذ قرض‌دهنده در جامعه علمی، همواره تکرار و مورد بحث قرار گرفته است که تردیدی درباره آنها وجود ندارد. در این قبیل موارد، اعتبار سهم یاری‌ها به میزان شیوع آنها در جامعه علمی بستگی دارد و در صورت پذیرش هیئت داوری پژوهش، اعتبار آنها کفایت می‌کند (همان، ص ۳۹۱).

۲-۹. متناسب‌سازی سهم یاری‌ها با چهارچوب مفهومی موضوع

اکنون که سهم یاری‌های مآخذ مورد استقراض مشخص شده است، در صورتی که پژوهشگر از مآخذ دریافت‌کننده استقراض، چهارچوبی مفهومی تعیین کرده است، باید نوعی انطباق بین آن دو صورت گیرد. برای مثال، پژوهشگری سهم یاری‌های علم پیچیدگی را به شرح ذیل مشخص کرده است: ۱. برایش؛ ۲. خودسازمان‌دهی؛ ۳. لبه نظم در بی‌نظمی؛ ۴. تعامل متقابل؛ ۵. اصول مشترک (خنیفرو مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۹۱). اکنون قصد دارد این سهم یاری‌ها را در مورد عناصر چهارچوب مفهومی خود (برای نمونه چرخه خطامشی‌گذاری عمومی مشتمل بر درک مسئله، دستور کارگزاری، فرموله کردن خطامشی، اجرای خطامشی، ارزشیابی و تغییر خطامشی‌های عمومی) اعمال کند. در این مرحله، پژوهشگر ممکن است جدولی طراحی کند و این پیوندها را به نمایش بگذارد؛ اما در این حالت، رویکرد نظام‌مند متداول است. در این حالت، چهارچوب سهم یاری‌ها با چهارچوب مفهومی منطبق می‌شود. گاهی اوقات هم رویکرد برایشی در پیش گرفته می‌شود. در این حالت، چارچوب مفهومی از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد؛ بلکه پژوهشگر به داده‌ها اجازه می‌دهد که به صورت برایشی دلالت‌های خود را نشان دهد. در پژوهش طباطبایی و فریدونی، (۱۳۹۶) آمده است که پس از شکل‌گیری چهارچوب مفهومی، دلالت‌های تک‌تک عبارات و گزاره‌ها، باید نسبت با کلیت چارچوب مفهومی بررسی شود. هنگام اجرای این مرحله، با گذشت زمان و مشخص کردن دلالت‌های بیشتر، چهارچوب مفهومی اتقان بیشتری می‌یابد.

ذکر چند نکته در این مرحله ضروری است:

- استنادهای پژوهشگر درون متن دلالت‌ها به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛
- تنوع حوزه مطالعاتی پژوهشگر به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛
- دلالت‌ها را می‌توان سطح‌بندی کرد: دلالت‌های کلان، میانه و خرد.

۱۰. ارائه نتایج در یک گزارش و ارزیابی دلالت پژوهی

۱۰-۱. نوشتن یافته‌ها و تجزیه و تحلیل در پژوهش دلالت پژوهی

در این مرحله، پژوهشگر دلالت‌ها را تحریر می‌کند. ممکن است احصای دلالت‌ها در دو حالت انجام شود: ۱. دلالت‌هایی که نخستین بار توسط پژوهشگر احصا می‌شود؛ ۲. دلالت‌هایی که ممکن است به وسیله پژوهشگر قبض و بسط یا تدقیق شود. در حالت نخست، ممکن است پژوهش دلالت پژوهی برای نخستین بار روی موضوعی خاص انجام شود. در این حالت، همه دلالت‌های احصایی صیغه نوآوری دارد؛ ولی گاهی ممکن است تعدادی از پژوهش‌های دلالت پژوهی در مورد موضوعی انجام شده باشد و پژوهشگر با گردآوری، تجمیع، اصلاح یا بازنگری، مجموعه‌ای از دلالت‌ها را احصا کند. پژوهشگر باید تلاش کند دلالت‌ها را به گونه‌ای جامع، مانع، شفاف، منطقی و روان ترسیم کند؛ چون این مرحله نیاز به سیالیت ذهنی، توان پردازش، ذکاوت پیوند دادن سهم یاری‌ها و دلالت‌ها دارد.

۱۰-۲. نوشتن نتیجه‌گیری‌ها و مفاهیم

اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی: اعتبار دلالت‌های احصایی برای مقاله‌های ارسالی به فصلنامه علمی، از طریق مرور هم‌تا تعیین می‌شود. منطق دلالت‌ها و استحکام استنادی دلالت‌ها می‌تواند در تعیین اعتبار دلالت‌ها بسیار تعیین‌کننده باشد؛ اما در پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای و رساله‌ای، می‌توان دلالت‌هایی احصایی را در معرض قضاوت تعداد بیشتری از خبرگان قرار داد. از این رو پژوهشگر می‌تواند با تعیین جدولی متشکل از سهم یاری‌ها (نکات کلیدی) و دلالت‌های احصایی، میزان موافقت یا مخالفت خبرگان، و همین‌طور دلیل مخالفت‌ها را احصا کند، یا می‌تواند گزارش سهم یاری‌ها و دلالت‌ها را به صورت روایتی، نه جدولی، در اختیار خبرگان قرار دهد و از آنها درخواست کند تا نظر کلی خود را اعلام کنند.

۱۰-۳. تهیه پیش‌نویس، پرداخت متن و انتشار

آخرین مرحله انجام پژوهش دلالت پژوهی، ارائه گزارش نهایی است. در این گزارش، پنج فصل متداول در همه پژوهش‌ها را می‌توان به شرح ذیل رعایت کرد:

فصل ۱. کلیات پژوهش: مقدمه، بیانیه مسئله، روش‌شناسی اولیه پژوهش؛

فصل ۲. مرور ادبیات پژوهش: مرور توصیفی ادبیات پژوهش؛

فصل ۳. روش‌شناسی پژوهش: فرایند انجام پژوهش؛

فصل ۴. تحلیل یافته‌های پژوهش: سهم یاری‌ها، دلالت‌ها؛

فصل ۵. نتیجه‌گیری و بحث: نتایج کلی پژوهش، تبیین نتایج، محدودیت‌ها، پژوهش‌های آتی.



۴-۱۰. ارزیابی کیفیت پژوهش دلالت‌پژوهی

روایی و پایایی، سکه‌های رایج در بازار پژوهش کمی هستند؛ اما در پژوهش‌های کیفی به‌طور اعم، و مطالعات هرمنوتیکی متنی، مانند پژوهش‌های کمی متداول نیستند؛ زیرا «افراد از یک پدیده ممکن است برداشت‌های متفاوتی داشته باشند» و تعمیم‌پذیری مدنظر پژوهشگران کمی، در پژوهش‌های دلالتی چندان مدنظر نیست. در عین حال، در هر یک از مراحل روش‌شناسی پژوهش‌های دلالتی، دقت لازم برای تقریب به روایی و پایایی صورت می‌گیرد. در مرحله احصای سهم یاری‌ها، میزان تکرار آنها در متون مختلف و استنادات داده‌شده به آنها، می‌توان روایی و پایایی سهم یاری‌ها را واحدی تضمین کند. در مورد سهم یاری‌هایی که برای نخستین بار احصا می‌شود، بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این موضوع کمک کند. در مرحله دلالت‌پژوهی نیز میزان استنادات درون متون دلالت‌های احصایی از یک سو و بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این مهم کمک کند.

۱۱. تمایز روش دلالت‌پژوهی با سایر روش‌های پژوهش کیفی

دلالت‌پژوهی با ژرف‌های پیش‌رو و ادله متقن‌تری از حضور یک گزاره، مدل، نظریه، فرضیه و آموزش یک دانش دیگر، در حوزه خود پرده برمی‌دارد یا به‌کار می‌بندد. در دلالت‌پژوهی، استفاده و کاربرد عملی مطرح نظر است؛ ولی در سایر روش‌های پژوهشی، گاهی اشاره به تشابه یا امعان نظر و توجه به شباهت‌ها یا تأثیرات ضمنی است.

۱۲. انتقادات وارده بر دلالت‌پژوهی

این روش با توجه به زیاد بودن مراحل انجام آن، زمان‌بر است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۵۱). این پژوهش شامل یازده مرحله به این شرح است: تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی؛ تعیین مأخذ احصای دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی؛ تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه منتخب؛ تعیین چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛ نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی؛ احصای سهم یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛ اعتبارسنجی سهم یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛ متناسب‌سازی سهم یاری‌ها با چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛ احصای دلالت‌های مورد نظر؛ اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی؛ تدوین گزارش پژوهش.

در دلالت‌پژوهی، استفاده و کاربرد عملی مورد نظر است؛ ولی در سایر روش‌ها، توجه به شباهت‌ها یا تأثیرات ضمنی است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۰).

در این روش، پژوهشگر باید هم به رشته مبدأ مسلط باشد و هم توانایی سازمان‌دهی ذهنی و برکشیدن ایده‌ها از سایر رشته‌ها را داشته باشد. برکشیدن ایده‌های کلیدی از سایر رشته‌ها، برای استفاده در رشته تخصصی خود، کار ساده‌ای نیست که از عهده هر پژوهشگر مبتدی برآید (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۲).

آشنایی پژوهشگر با شیوه‌های پژوهش کیفی به‌طور خاص، و بعضاً کمی، برای موفقیت در این روش‌شناسی ضروری است (همان).

به نظر می‌رسد، دلالت‌پژوهی قابل آموزش مستقیم نباشد؛ زیرا بیشتر نوعی شِمّ درونی است؛ اگرچه نمایش دادن آثار ارائه‌شده در این حوزه می‌تواند به پژوهشگرانی که ذهنی آماده شکوفایی دارد، یاری‌دهنده باشد (همان، ص ۳۹۳).

نتیجه‌گیری

بسیاری از پژوهشگران، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، قصد دارند در قلمرو مطالعاتی خود از آثار اندیشمندان دیگر، که به‌صورت تخصصی در زمینه رشته ایشان نظر نداده‌اند استفاده کنند. علاقه به وارد کردن دلالات یک دانش مبدأ، برای ارتقای دانش مقصد و کشف دلالات‌سازی در دانش مقصد و نشان دادن وجود قاعده در دانش مبدأ، منجر به اغنای پژوهش می‌شود. بسیاری از نظریاتی که در زمینه‌هایی چون قرآن، فلسفه، سیاست، روان‌شناسی و... بیان می‌شود، در سایر علوم نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا به‌کارگیری و استقبال از روش‌ها و مدل‌ها در گسترش دانش همواره مورد علاقه بشر بوده است. قرائن تاریخ تکامل علوم نشان می‌دهد که این روش‌شناسی، در فعل نگارش نویسندگان در گذشته وجود داشته و به‌طور ضمنی، از جانب آنها رعایت شده است. روش دلالت‌پژوهی، یکی از راهبردهای افزایش بسیار متداول اقتباس و عاریه دانش، یک رشته برای بهبود و گسترش دانش رشته دیگری است. این روش‌شناسی، در پی انجام پژوهش تجربی (تبیین، فهم و واکاوی) نیست؛ چون هدف آن دلالت‌پژوهی است و در مواردی خاص، که پژوهشگر در پی کسب دانش عاریه‌ای است، مناسب است. مراحل انجام آن، شامل یازده گام است و این گام‌های خطی کامل نیستند و مدام بین مراحل، بده‌بستان صورت می‌گیرد. دلالت‌پژوهی، معطوف به پژوهش‌های مختلف میان‌رشته‌ای است و یک رشته می‌تواند مأخذ الهام و دلالت‌پژوهی رشته دیگر شود. مأخذ این بهره‌گیری‌ها می‌تواند آثار مکتوب و شفاهی اندیشمندان هر رشته علمی باشد. اندیشمندان می‌توانند دلالت‌های اولیه‌ای را از آثار سایر رشته‌ها، برای رشته تخصصی خود مشخص کنند. این دلالت‌ها در مرحله نخست دانش‌پژوهی بین‌رشته‌ای، بعضاً خام است و صرفاً توصیفی تحلیلی است؛ اما با گسترش این دلالت‌ها، پژوهش‌های تجربی میدانی به دانش محلی خاص هر رشته منجر خواهد شد. جایگاه علمی این پژوهش‌ها و پژوهشگران این نوع پژوهش‌ها، در مجامع علمی قابل توجه هستند. عناوینی چون دلالت‌های نظریه اعتباریات علامه طباطبایی برای خطامشی گذاری عمومی، دلالت‌های نظریه اعتباریات علامه طباطبایی برای نظریه سازمان و مدیریت، و دلالت‌های عقلانیت در قرآن برای خطامشی گذاری عمومی، برای انجام پژوهش با این روش مناسب است.

منابع

- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید، ۱۳۹۸، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی*، ج ۲، تهران، نگاه دانش.
- دانایی فرد، حسن، ۱۳۹۵، «روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۲۲، ص ۳۹-۷۱.
- زارعی محمودآبادی، طیبیه؛ خواجه‌پور بنادکی، کمال؛ زارع زردینی، احمد، ۱۳۹۸، «ارائه روشی دلالت‌پژوهانه در مطالعات سبک زندگی اسلامی مبتنی بر روابط معنایی واژگان قرآنی»، *سبک زندگی*، ش ۹، ص ۸۳-۱۰۴.
- سید طباطبایی، سید مهدی؛ فریدونی، سینا، ۱۳۹۶، «الگوی استخراج نظام آموزش و پرورش کشور مبتنی بر بیانات حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی». *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۳۴، ص ۹۵-۱۳۱.